

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

موسوی

۳۱ مارچ ۲۰۱۷

پاسخ به چند سوال - ۳

ویراستاری چیست؟ - ۱

از نخستین روزهایی که پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" به فعالیت آغاز نموده و همزمان با آن، آن عده از همکاران که بدون کمترین چشمداشت و یا مزدی به ده ها هزار مطلب را به نثر و شعر ویراستاری و در بهترین شکل و با حد اعلای دقت به شکل کاملاً منحصر به فردی تقدیم خوانندگان نموده اند، ویراستاران پورتال به تکرار با یک مشکل مواجه بوده اند، مشکل ویراستاری املائی و انشائی و در موارد خاصی تصحیح اغلاط محتوائی و جلوگیری از تحریفات تاریخی و یا سیاسی. در این میان با کمال تأسف به جای آن که اصل "نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین" صدق نماید، گاهگاهی متوجه شده ایم که برخی افراد از قماش "هاشمیان" که کمتر کسی منکر نبوغش در بلاغت شده می تواند با خزیدن و سنگر گرفتن در عقب "رتبه های علمی" که معلوم نیست کشورهای خارجی روی کدام معیار به آنها داده است- خوشبختانه سند داکتری "هاشمیان" را پوهنخی ادبیات و علوم بشری مربوط پوهنتون کابل پذیرفت به همان علت به وی رتبه علمی "پوهندوی" داده نشد- ، هر چه از ذهن شان بیرون می شود می نگارند و وقتی ویراستار که باید وظیفه شناس باشد، به حکم وظیفه اغلاط املائی و انشائی این و یا آن فرد از قماش نابغه بلاغت را اصلاح می نماید دعوا به راه انداخته می شود که گویا در مقاله اش تصرفی صورت گرفته است، و زمانی که متن پر از اغلاط املائی با املائی درست کلمات در کنارش تحریر و عرضه می گردد، به گفته مردم سنگ به خانه خدا زده شده، فحاشی، افتراء و بهتان جای پاسخدهی را گرفته، از طریق سایت وابسته به استخبارات المان زیر نام صدها فرد موهوم فستیوال فحاشی به راه انداخته می شود، تمام اینها چرا؟

پاسخ چرا آن است که ویراستار "پاهین"، "مراعات"، "زبیح"، "اولادها"، "سؤال"، "مئلن"، "کاملن"، "تقریبین"، "انشالله" و صد ها لغت دیگر را که یا به اساس جدا نویسی و یکجا نویسی نادرست نوشته شده اند و یا هم کلمات دری را با اصول عربی جمع و یا تنوین داده اند، با املائی درست "پائین"، "مراعات"، "ذبیح"، "اولاد"، "سؤال"، "مثلاً"، "کاملاً"، "تقریباً"، "ان شاء الله" و ... اصلاح نموده است. وقتی پای بحث به میان آمده، به جای استدلال تلاش صورت گرفته تا "به زور رگ گردن" حرف نادرست شان را بر طرف بقبولانند.

در این جریان زمانی که در جواب های خصوصی، در پای پاسخ از موضع "ویراستار" امضاء صورت گرفته، بار بار از ما پرسیده شده است:

ویراستار چیست؟، این گپ از کجا برآمده؟، ویراستاری چه معنا می دهد؟، مقاله من را ویراستاری نکنید! ... از آن جایی که در تقسیم وظایف بین متصدیان، پاسخ به نامه ها و سوالات از وظایف من می باشد، این سوالات بارها از خود پرسیده شده است. من هرچند در تمام مدت می خواستم به پاسخ این سوالات برداشتهای خود را بنویسم، مگر به علت مصروفیت های خودم و از آن مهمتر عدم اطمینان به این که برای ارائه پاسخ به چنین سوالی، من صلاحیت دارم و یا نه؛ باعث شده بود تا ارائه پاسخ به این سؤال را به بعد تر موکول نمایم.

اینک که بار دیگر عین سؤال از طرف خوانندگان و همکاران پورتال مطرح می گردد، ضمن تماس با سایر همکاران ویراستار در پورتال و گرفتن نظرات آنها و مراجعه به چند جلد کتابی که در اختیار دارم، خواهم کوشید تا در مسأله آنچه را خود برداشت نموده و می اندیشم بیان دارم، مطمئن هستم که کمبود های آن از طرف دانشمندان این رشته تکمیل و نقایص آن تصحیح می گردد.

۱- قدمت و معنای ویراستن:

خلاف تصور آنهایی که فکر می کنند، مصدر "ویراستن" یکی از آن کلماتیست که به همین تازگی ها یعنی طی چند دهه به وسیله ماشین لغت سازی ایران به وجود آمده و در افغانستان هم به وسیله ایرانی مشرب ها به کار گرفته شده است، این کلمه به استناد نقل قول کوتاهی که داکتر "محمد معین" در جلد چهارم فرهنگ ۶ جلدی اش در صفحه ۵۰۷۰ از کتاب "هدایة المتعلمین فی الطب" اثر "ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری"، ملقب به "اخوینی بخاری"، چنین آورده است: "... و کندر و سریشم ماهی و پوست نار و گلنار و مازوی خام و تتری، و آن بیخ که پوست گران پوست ویرايند به وی... - تکیه از من است. م- این کلمه قدمت تقریباً هزار ساله دارد، چه می دانیم که کتاب نامبرده در اواخر قرن چهارم هجری قمری یعنی در عهد سامانیان در بخارا به زبان "پارسی دری" نوشته شده است. - این کتاب را که خوشبختانه در کتابخانه دیجیتال یک تن از ویراستاران پورتال موجود بود، هر چند مسائل طبی آن در شرایط کنونی زیاد قابل استفاده نیست، با آنهم به دلیل آن که از یک جانب تلاش انسانهای آن عصر را در شناخت اعضای بدن انسان نشان می دهد و از جانب دیگر یکی از متون قدیم نثر پارسی دری شمرده می شود جهت استفاده همگان در کتابخانه پورتال گذاشتیم، باشد علاقه مندان با مراجعه بدان چیزهای بیشتری را بیابند که تا امروز بدان توجه نشده است. -

به ارتباط معنای "ویراستن" باید نوشت: با تأسف در اکثر فرهنگهایی که تا کنون دیده شد در تعداد کمی از آنها این کلمه به مثابه یک کلمه مستقل مورد بحث قرار گرفته است، چنانچه "دهخدا" در "لغتنامه" اش در آن باره می نویسد:

"ویراستن = (مصدر) ویراستن - لغت نامه دهخدا - جلد ۱۴ - ۲۰۵۶۷

به همین سان در فرهنگ دوجلدی "عمید" آماده است: " جلد دوم - ص. ۱۹۵۸: ویراستن = ویراستن = منظم کردن در فرهنگ بزرگ سخن ۸ جلدی در صفحات - ۸۲۸۵ - ۸۲۸۶ - جلد هشتم چنین می خوانیم:

ویراستن: ۱- (چاپ و نشر). ویرایش کردن

۲- دباجی کردن - نقل قول بالا که داکتر محمد معین نیز آن را آورده بود.

خلاف این چهار فرهنگ که در بالا از آنها نام برده شد، در فرهنگهای دیگری که نزد من موجود است از قبیل فرهنگ کامل، برهان قاطع، غیث اللغات هیچ نامی از آن به میان نیامده است، تو گوئی اصلاً وجود خارجی نداشته است، چه بسا همین از قلم افتادن در فرهنگهای لغت، باعث شده تا برخی ها فکر کنند که این کلمه از کلمات من درآوردی فرهنگستان ایران می باشد.

عکس لغت نامه ها و فرهنگ ها که "ویراستن" را یا اصلاً تذکر نداده اند و یا هم آن را معادل با "پیراستن" دانسته اند در آن عده از کتبی که راجع به ویراستاری و اصول نگارش تحریر یافته اند، همه نه تنها این کلمه را از قلم نینداخته و یا معادل "پیراستن" ندانسته اند، بلکه به تفصیل در موردش بحث نموده آن را شامل "پیراستن و آراستن" معرفی داشته اند. از جمله در "مبانی درست نویسی" - اثر داکتر ناصر نیکوبخت، "اصول نگارش و انشای راهنما" - از استاد حاج عباس عطاری کرمانی، "راهنمای نگارش و ویرایش" تألیف داکتر محمد جعفر یاحقی و داکتر محمد مهدی ناصح و سایر نوشته ها در عین موضوع، با صراحت کامل "ویراستن = پیراستن و آراستن" معرفی داشته شده است. چنانچه آقای "نیکوبخت" در مورد "پیراستن" و "آراستن" چنین تعریف نموده، کار "ویراستار" را انجام هر دو مورد می داند:

۱- پیراستن: یعنی زینت دادن همراه با کاستن زواید؛

۲- آراستن: یعنی زینت دادن همراه با افزایش. - "مبانی درست نویسی" - صفحه ۱۵

تا جایی که از دوران تحصیل در پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل به یاددارم در بخش "جغرافیه فیزیکی"، کلمات "انتکال" و "انتکالات" از بحث هائی بود که هر شاگرد جغرافیه فیزیکی می بایست در موردش معلومات می داشت. استادان ما همان زمان کلمه "انتکال" را خلاف معانی دقیق آن به زبان عربی، به مثابه یک اصطلاح جغرافیائی "تخریب و ترمیم" معنا می نمودند، وقتی امروز به معنای "ویراستن"، دقیق می شوم در معنای ظاهری خود، این کلمه در واقع می تواند همان معنای اصطلاحی "انتکال" را برساند.

کلمه "ویراستن" در زبان انگلیسی Edition معنا شده و "ویراستار" را معادل Editor ترجمه نموده اند. کلمه "ویراستن" در زبان المانی به redigieren برگردان شده است.

بنابر تعاریفی که در فوق ارائه گردید، واضح است که ویراستار و یا هم ویرایشگر به کسی گفته می شود که یک نوشته را با زودن زواید و کاستی های آن و افزودن نکات لازم به آن، قابل نشر ساخته، به مثابه پلی بین نویسنده و ناشر و وظایفش را انجام می دهد. - به این بحث باز هم خواهیم پرداخت.

۲- علت وجودی شغل ویراستاری:

تا جایی که از مطالعه تاریخ تمام کشورها من جمله کشور عزیز ما افغانستان بر می آید، آن طوری که امروز به یمن انکشافات تکنولوژیک و الکترونیک و گسترش ساحه سواد و نویسندگی در اقصا نقاط جهان، تقریباً تمام آنهایی که چشم شان با حروف آشنائی دارد، امکان نوشتن و تبادل آن با دیگران را یافته اند، در اعصار گذشته چنین نبوده، صرف یک طیف خاص و خیلی ها معدود و محدود در هر کشوری می توانستند، داشته های فکری شان را با دیگران از طریق نوشته در میان بگذارند.

اگر خواسته باشیم همین مسأله را در کشور خود ما افغانستان پی گیریم، دیده می شود که به استناد ادعای "امیر عبدالرحمان خان" در کتاب منسوب به وی، زمانی که نامبرده به قدرت می رسد تعداد مجموعی نویسندگان - با سوادان که به حیث "منشی" در خدمت امراء و برخی از تجار قرار داشتند، در تمام افغانستان به ۱۰۰ نفر هم نمی رسید. حال گیریم ۱۰۰ نه بلکه هزار نفر، آنچه مشخص بود معلم و مدرسه تحصیلی تمام این هزار نفر آشکار و شناخته شده بود. که اگر باز هم می خواستیم آنها را به حساب استادان شان تقسیم بندی نمائیم و اندکی بیشتر رفته به استاد استادان شان نظر می انداختیم دیده می شد که سرانجام طناب های اصلی جال هزار تاره نویسندگی در ۵ الی ۱۰ دست خاتمه می یافت.

علت چنین امری آن بود که افراد خلاف امروز که هر فردی به سواد و نویسندگی به مثابه ضرورت اجتماعی، نیاز دارد و می باید آن را فرا گیرد، در گذشته های دور و نزدیک که حیات اجتماعی به مانند امروز مغلق نبود، سواد آموزی و در نتیجه روی آوردن به شغل نویسندگی، بیشتر از آن که به مثابه نیاز عمومی جامعه درک شود، به حیث یک حرفه و یک شغلی شناخته می شد که کس و یا کسانی می خواهند به وسیله آن چرخ زندگانی شان را بچرخانند. از همین رو هم تعداد نویسندگان خیلی ها معدود و محدود بود و هم مکاتبی که در آن دروس نویسندگی را فرا می گرفتند. هر چند اصول و قواعد خاص و نوشته شده بین آن همه نویسنده و مکتب وجود نداشت تا در زمینه های درست نویسی بدان روی آورند، مگر شناخت و احترام متقابل بین استادان مکاتب، توانسته بود در کلیت آن یک نوع توافق نانوشته ای را در مورد املاء و انشاء بین همه حاکم سازد که بر مبنای آن کار شان را پیش ببرند.

خلاف آن دوره ها وقتی سواد در حدی همگانی شده از انحصار خانواده های معینی بیرون شد و عده بیشتری به نویسندگی روی آوردند، در آغاز نوشته های شان را به خوشنویس ها که تقریباً نقش "ویراستار" را نیز تا حدی به عهده داشتند، می سپردند، به مرور زمان و با گسترش صنعت چاپ با آمدن ماشین تایپ و ...، که در حد زیادی از نقش خوشنویسان در امر چاپ و نشر، کاست، هر مؤسسه نشراتی به جای استخدام یک و یا چند خوشنویس، تلاش ورزید تا چند تن را که از دانش املائی و انشائی بهتری برخوردار بودند، به حیث "مصحح" استخدام نموده، هر نوشته ای را قبل از چاپ از نظر آنها بگذرانند. امری که از سالیان طولانی در افغانستان نیز مروج بوده، در هر مرکز نشراتی و حتا اداره های روز نامه ها و مجله ها، افرادی به حیث "مصحح" کار می نمودند.

امروز با در نظر داشت گسترش ساحه سواد و نویسندگی در تمام کشورها، و رجوع میلیونها انسان به نوشتن، بدون آن که در آن رشته تحصیلات خاصی را پشت سر گذاشته باشند و درک ضرورت احتراز از "غلط نویسی" باعث شده است تا به جای چند "مصحح" دیروزی، ویراستاری به مثابه یک علم و فن قابل آموختن مورد توجه قرار گیرد، تا باشد با در نظر داشت اصول و اساسات درست نویسی، آنچه را یک نویسنده می خواهد به خوانندگان انتقال دهد، در بهترین کیفیت، تقدیم آنها نماید.

از همین روست که امروز در تمام جهان و در تمام مؤسسات نشراتی شغل "ویراستاری" به رسمیت شناخته شده، هر یک از آنها بهترین تیم های ویراستاران را در اختیار دارند. تیم هایی که حین ویراستاری این یا آن مقاله، به جز مسلکی که فرا گرفته اند و تعهدی که به مؤسسه نشراتی صاحب کارش دارد، به اصطلاح مردم کابل "از فلک هم نمی ترسند" و آنچه را لازم می دانند در یک مطلب در همسوئی با نویسنده و در تطابق با سیاست ها و اصول مؤسسه نشراتی خودش کم و یا زیاد می نمایند. در قسمت های بعدی به این نکته بیشتر خواهیم پرداخت.

ادامه دارد